



<http://www.arianafghanistan.com>



شهر هاگ , ۱۸/۸/۲۰۱۸

انجمن فارو



په اروپا کی دمیشه افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

یاد بود از جنبش امانی و خاطره کسب استقلال در شرایط بحرانی کنونی

نوزدهم اگست برابرست با روز استرداد استقلال سیاسی کشور تحت رهبری شاه امان الله خان. موجودیت یک رهبر استقلال طلب، آزادی خواه و ترقی پسند در رأس قدرت سیاسی کشور که از پشتیبانی قاطبه مردم افغانستان نیز برخوردار باشد، در دوران امانی یک واقعیت بود. ولی اکنون به یک رویای دلپسند ولی غیر عملی برای مردم افغانستان مبدل شده است. یادبود از خاطره استقلال و جنبش امانی نیز به همین دلیل، تمایل بازگشت به استقلال، آزادی و ترقی خواهی ملی را به همراه دارد. بزرگداشت از جنبش امانی بزرگداشت از یک الگوی خوب است. تنها شیدان زمان ما به جنبش امانی و اصلاحات دوران امانی تهمت می بندند. البته تندروی ها و برخی اشتباهات دیگر به استعمارگران انگیس و عمال داخلی اش موقع دسیسه چینی علیه رژیم امانی و ایجاد فاصله بین دولت امانی و اقتدار محافظه کار جامعه را بوجود آورد، اما دوران امانی هنوز هم صفحه درخشانی در تاریخ معاصر کشور ما میباشد.

یاد بود از استرداد استقلال و جنبش امانی امسال مصادف به روز های دشواری است که مردم ما در سرتاسر کشور، بخصوص در شهر غزنی و کابل تجربه میکنند. عمال پاکستان در حالی که افراد استخباراتی پاکستان هم آنها را همراهی میکردند، غزنی، این پایتخت فرهنگی جهان اسلام، را به آتش کشیده و خون صد ها کشته و زخمی را بر خاکی ریختند که زمانی پایتخت امپراطوری بزرگ غزنوی بود. در کابل جان ده ها جوانی که در یک مرکز آموزشی برای امتحان کانکور پوهنتون آمادگی می گرفتند و با هزار امید معصومانه برای آینده خود و وطن خود مصروف آموزش بودند، با یک حمله انتحاری جبهه گرفته شد و ده ها تن دیگر شان زخمی شدند. جنگهای استخباراتی آی.اس. آی و سایر استخبارات منطقه و جهان، کشور ما را به میدان همه جنگ ها مبدل ساخته اند. بطور اوسط روزانه صد افغان کشته و دو برابر آن زخمی میشوند. بخش اعظم این قربانیان را افراد ملکی تشکیل میدهد. حکومت در عمل ثابت ساخته است که توانایی دفاع از جان و مال مردم افغانستان را ندارد. حکومت خارجی که سرنوشت جنگ را از ۱۶ سال بدینسو بدست خود گرفته اند، بدون پیشرفت قابل ملاحظه، ناظر تلفات زیاد ملکی و نظامی افغانها اند. پالیسی دونالد ترامپ مبنی بر تمرکز بر ازدیاد فشار بر پاکستان و تعرضی ساختن جنگ علیه تروریستها توسط محافل دیگری در وزارت خارجه و پنتاگون بعد از چند هفته خاموشانه کنار گذاشته شد. رسانه های امریکائی خبر میدهند که ایریک پرنس مؤسس شرکت نظامی شخصی بلک و اترکه بدنایم اش در جنگ عراق و افغانستان بر هیچکس پوشیده نیست، موج جدیدی از تبلیغات را برای کسب توجه ترامپ برای طرح شخصی سازی جنگ امریکا در افغانستان براه انداخته است. این طرح سودجویانه یک تاجر خون و آتش است که به قیمت خون ده ها هزار بیگناه بلیونر شده است. تطبیق این طرح عواقب وحشتناکی برای وضعیت سیاسی، اجتماعی و آینده منابع طبیعی افغانستان خواهد داشت. در حالی که افغانستان به این تهدید ها مواجه است، طالبان در طولانی ساختن این جنگ به نفع پاکستان و سپردن کلید صلح به دست دول خارجی خاطرات بد دیگری هم در اذهان مردم افغانستان از خود به جا میگذارند. خفاشان دیگری که توسط همین حکومت خارجی با پول خریده شده و به قدرت رسانیده شدند، لحظه ای هم به فکر نجات وطن نیستند. آنها بر روی میلیون ها دالر باد آورده شان میخوابند

و هنوز هم بخاطر اینکه زمانی در پشاور پادوی استخبارات پاکستان را کرده اند، فخر فروشی نموده و خواهان امتیازات عمری مالی و سیاسی و معافیت در برابر قانون میباشند. ایشان با توطئه برای اشغال مجدد کرسی های دولتی و قرار دادن آن در خدمت منافع مافیائی خویش در سعی و تلاش اند.

دول همسایه برای سوریه ای ساختن جنگ افغانستان آمادگی گرفته اند. نوکران داخلی این دول برای این جنگ ذهنیت سازی میکنند.

وحدت ملی میان باشندگان افغانستان با وصف دسایس منابع استخباراتی خارجی هنوز درز نه برداشته اما سیاست بازی های قومی تیکه داران سیاسی که خود را به هدف امتیاز طلبی های شخصی و فامیلی نماینده بلا منازع قوم خویش جا میزنند و ذهنیت قوم گرایانه را ترویج میکنند، خطر بالقوه را علیه وحدت اقوام افغانستان تشکیل میدهند. پیوند آشکار این تیکه داران با استخبارات منطقه این خطر را جدی میسازد. اما هیچ مقام مسؤلی برای رفع اصولی و قاطع این خطر اقدام نمیکند.

در نتیجه میتوان گفت که در شرایط کنونی که از حاکمیت ملی مستقل و مؤثر امانی یاد بود میگردد، افغانستان در وابستگی همه جانبه غرق است و حکومت مصروف منازعه تیمی و تلاش برای بقای خویش در مقابل رقبای مافیائی و دسایس خارجی و داخلی گوناگون است. وابستگی همه جانبه و جنگ فرسایشی آی.اس.آی از طریق طالبان و داعش، حکومت افغانستان را در موقف بس ضعیف و ضربه پذیر قرار داده است. این حکومت برای جلوگیری از سقوط ولسوالی ها اقدامی نمی کند و بعد از سقوط ولسوالی ها اقدام به باز پس گیری آنها را به آینده موکول می کند. این تعلل شهر ها را به خطر مواجه میسازد. آنچه در غزنی واقع شد، در هر شهر دیگری هم واقع شده میتواند. پس نباید به این حکومت و حامیان خارجی اش امید واهی بست. فقط نیروی مردم افغانستان میتواند استقلال، صلح، امنیت و کار برای ترقی اجتماعی را، آنچنانکه در دوران امانی در افغانستان موجود بود، دوباره در افغانستان احیا کند. باید به مردم تکیه کرد و مردم را بسیج ساخت.

هیأت اجراییه فارو

